

تحقیقات مالی - اسلامی، سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۴)، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۲۳-۱۰۶

مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی با رویکرد بررسی عقود و الگوی پرداخت تسهیلات

محمدنقی نظرپور*

علی رضایی**

چکیده

با توجه به ماهیت فعالیت بانکها، ریسک اعتباری بیشترین نقش را در توان سودآوری آن ایفا خواهد کرد؛ به گونه‌ای که علی‌رغم ابداع و نوآوری‌های موجود در نظام بانکی ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات توسط وام‌گیرنده هنوز هم به‌عنوان دلیل عمده عدم موفقیت بانکها محسوب می‌شود. افزایش زیان اعتباری ناشی از بازپرداخت وام و کاهش توان سودآوری و همچنین، چاره‌اندیشی برای جلوگیری از ورشکستگی بانکها در دهه اخیر فکر اندازه‌گیری و کنترل ریسک اعتباری را گسترش داده است. مقاله حاضر به روش توصیفی و تحلیل محتوی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به دنبال اثبات این فرضیه است که عقود مبادله‌ای ریسک اعتباری کمتری در مقایسه با عقود مشارکتی برای مؤسسات مالی و بانکها ایجاد می‌کنند. بر اساس یافته‌های این مقاله، عقود اسلامی غیرمشارکتی (مبادله‌ای) در مقایسه با عقود مشارکتی ریسک کمتری در بردارند، اما این عقود نیز واجد ریسک‌اند و بانکهای اسلامی را در معرض ریسک اعتباری قرار می‌دهند. بانکها در صورت عدم استقرار یک نظام مدیریت ریسک اعتباری متناسب قادر به تشخیص میزان ریسک اعتبارات و تعیین زیانهای احتمالی عدم بازپرداخت وام‌ها نیستند و در نتیجه، قادر به تخصیص بهینه سرمایه خود نخواهند بود و از این رو، سودآوری آنها نیز با تهدید اساسی مواجه خواهد شد. در بخش پایانی این مقاله به ارائه هشت راهکار جامع برای کاهش ریسک اعتباری بانکها پرداخته شده است که می‌تواند راهگشای حرکت بانکها برای کاهش ریسک اعتباری و در نهایت ورشکستگی آنها شود.

واژگان کلیدی

بانکداری اسلامی، ریسک اعتباری، مدیریت ریسک، عقود در بانکداری اسلامی

طبقه‌بندی JEL: E42 - G32 - G21

mnnazarpour@gmail.com

Rezaee.ali66@gmail.com

* دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مفید قم

** کارشناس ارشد علوم اقتصادی (نویسنده مسئول)

مقدمه

ارتباط صحیح بین نظام‌های مالی و تولیدی در هر کشوری از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی محسوب خواهد شد. بانک‌ها به‌عنوان بخش اصلی نظام مالی (نظام پایه بانکی)، نقش اصلی را در تأمین مالی بخش‌های تولیدی، تجاری و مصرفی و حتی دولتی بر عهده خواهند داشت. در ایران نیز با توجه به ساختار اقتصادی کشور تأمین مالی بخش‌های واقعی اقتصاد بر عهده شبکه بانکی کشور قرار دارد. متأسفانه این بخش نیز در رسیدن به رسالت‌های خویش چندان موفق نبوده و هم‌اکنون تداوم فعالیت‌ها و بقای بیشتر بانک‌های دولتی کشور ناشی از حمایت‌های دولتی است. بالا بودن ذخایر بانک‌ها و تسهیلات اعطایی سوخت‌شده و یا معوقه بانک‌ها، گویای نبود مدل‌های مناسب اندازه‌گیری ریسک اعتباری^۱ و فرایندهای مدیریت ریسک در شبکه بانکی است. فعالیت بانک‌ها و نهادهای مالی و اعتباری در حوزه‌های مختلف از جمله اعطای تسهیلات، سرمایه‌گذاری، صدور انواع اوراق قرضه، صدور انواع گواهی سپرده، صدور ضمانت‌نامه‌ها و گشایش انواع اعتبارات اسنادی و یا به‌عبارت‌دیگر، اقدام به ایفای نقش در بازارهای پول و سرمایه، آن‌ها را در معرض مخاطرات و ریسک‌های خاص این‌گونه فعالیت‌ها قرار داده است. بانک‌ها با انواع متنوعی از ریسک‌ها روبه‌رو می‌باشند؛ در حال حاضر بانک‌های معتبر جهانی در حال انجام اقدامات مؤثری در زمینه مقابله با ریسک بوده و این اقدامات چند سال اخیر از طریق بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نظام بانکی نیز در حال اجراست. تدوین قوانین و مقررات و مجموعه رهنمودهای بانک مرکزی همچون مدیریت ریسک اعتباری، مدیریت ریسک نقدینگی، نظام مؤثر کنترل‌های داخلی و دستورالعمل‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و... از جمله این اقدامات است.

علی‌رغم پژوهش‌ها و نوآوری‌های گوناگون صورت‌گرفته در کنترل و نظارت بر ریسک‌های اعتباری، هنوز هم می‌توان گفت که یگانه عامل ورشکستگی بانک‌ها همین مسئله است (حاجیها و رجایی، ۱۳۹۰، صص ۱۹۱-۱۹۲). گذشته از این، صورت‌های مالی بانک‌ها شامل ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت گردش وجوه نقد نیز به‌شدت تحت تأثیر ریسک‌های اعتباری است.

بانک‌ها در اقتصاد سنتی واسطه‌ وجوه بوده و در بانکداری اسلامی علاوه بر این وظیفه، شرکت با سپرده‌گذاران و وکالت از سوی آنان برای سرمایه‌گذاری و پرداخت تسهیلات را نیز بر عهده دارند. این فعالیت، مستلزم بررسی وضعیت اعتباری دریافت‌کنندگان تسهیلات توسط بانک‌هاست تا بر اساس نتایج حاصل از این بررسی، به داوری و تصمیم‌گیری در مورد وضعیت اعتباری متقاضی دریافت تسهیلات و در نهایت، تصمیم‌گیری راجع به پرداخت یا عدم پرداخت تسهیلات و همچنین، میزان آن پردازند. البته این احتمال نیز وجود دارد که داوری انجام‌شده به واقعیت نپیوندد؛ برای مثال، این امکان وجود دارد که وضعیت اعتباری دریافت‌کنندگان تسهیلات، تحت تأثیر عوامل مختلف تنزل یابد.

بخش عمده‌ای از درآمد بانک‌ها می‌تواند از طریق اعطای تسهیلات به وقوع بپیوندد؛ اما گردش پول و سرمایه در جامعه، نهاد مالی را در معرض انواع ریسک‌ها قرار می‌دهد، تنوع این ریسک‌ها و گاهی شدت آن‌ها به حدی است که اگر نهاد مالی نتواند آن‌ها را به نحو صحیح کنترل و مدیریت کند، رو به نابودی و حتی ورشکستگی نیز خواهد رفت.

به لحاظ نظری، نکول زمانی روی می‌دهد که ارزش دارایی‌های شرکت کمتر از ارزش بدهی‌های آن باشد؛ بنابراین، ریسک نکول از جمله مهم‌ترین ریسک‌هایی است که بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چرا که نکول تعداد کمی از مشتریان می‌تواند زیان غیرمنتظره‌ای را به یک سازمان وارد نماید.

هرگونه قصوری که در بازپرداخت تسهیلات صورت گیرد، از ارزش دارایی‌های بانک کاسته و ممکن است بانک را در ایفای تعهداتش دچار مشکل نماید؛ از سوی دیگر، میزان سودآوری را نیز کاهش دهد و به این ترتیب بانک به پیش‌بینی‌های اولیه خود دست نیابد و در نتیجه، نتواند به سهامداران و سپرده‌گذاران خود سودهای مورد انتظار آنان را پرداخت نماید و این اتفاق تأثیر مستقیم در موقعیت بانک، سهامداران و سپرده‌گذاران خواهد داشت.

یکی از مهم‌ترین روش‌های بخش مالی و بانکی که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است، سبک مدیریت ریسک است. نظام مالی و بانکی با توجه به ویژگی‌های

خاص آن با انواع گوناگونی از ریسک و مخاطره مانند ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی، ریسک بازار و... روبه‌روست. از طرفی شناسایی، کنترل مقدار و میزان هر یک از این ریسک‌ها در جایگاه خود برای بخش مالی و بانکی بسیار پراهمیت است؛ بنابراین، سبک مدیریت ریسک از یک‌سو به تبیین و تشخیص انواع ریسک می‌پردازد و از سوی دیگر، روش‌های مدیریت این ریسک‌ها را ارائه می‌کند.

نظام بانکداری ایران با توجه به الزام‌های شرعی و ویژگی‌های خاص آن در تخصیص و تجهیز منابع با ریسک‌های ذیل روبه‌روست:

۱. ریسک‌هایی که همه بانک‌های متعارف و اسلامی در برخورد با آن مشترک هستند؛
۲. ریسک‌هایی که فقط نظام مالی و بانکی اسلامی با آن روبه‌رو می‌شود.

با توجه به ویژگی‌های خاص در تخصیص و تأمین وجوه و الزام‌های شرعی، نظام مالی و بانکداری اسلامی با ریسک‌هایی روبه‌رو می‌شود که سبک و روش‌های مدیریت ریسک متعارف قابلیت برخورد با آن‌ها را ندارند. از این‌رو، ارائه روش‌های مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی که از یک‌سو با قانون‌ها و الزام‌های شرعی مطابقت داشته باشد و از سوی دیگر، قابلیت کاربرد در این نظام را داشته باشد، ضروری است. افزون بر آن دو الگوی کنونی بانکداری بدون ربای ایران نیز با توجه به ویژگی‌های خاص آن با ریسک‌هایی روبه‌روست که برخی کنترل‌پذیر و برخی دیگر با روش‌های رایج مدیریت‌پذیر نیستند.

در بازاری که حاشیه سود بانک‌ها به دلیل تشدید رقابت همواره در حال کاهش بوده و همواره فشار برای کاهش بیشتر هزینه‌ها احساس می‌شود، مدل‌های ریسک اعتباری با پیش‌بینی زیان‌های عدم بازپرداخت و ام‌ها نوعی برتری نسبی برای بانک‌ها و نهادهای اعتباری ایجاد خواهد کرد. مدل‌های ریسک اعتباری با اندازه‌گیری ریسک می‌توانند با ایجاد ارتباط خردمندانه بین ریسک و بازده امکان قیمت‌گذاری دارایی‌ها را فراهم سازد. همچنین، مدل‌های ریسک اعتباری امکان بهینه‌سازی ترکیب پرتفوی اعتباری و تعیین سرمایه اقتصادی بانک‌ها برای کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای را فراهم

خواهد ساخت. از این رو، الگوی بانکداری بدون ربای ایران نیاز به بررسی انواع ریسک و مدیریت آن‌ها را با توجه به قانون‌های اسلامی دارد. در این مقاله سعی بر آن است تا به این سؤال پاسخ داده شود که با توجه به شیوه‌های ارائه تسهیلات و عقود موجود در بانکداری بدون ربا در ایران چگونه می‌توان ریسک اعتباری را کاهش داد و یا آیا استفاده از عقود مبادله‌ای ریسک اعتباری کمتری در مقایسه با عقود مشارکتی برای مؤسسات مالی و بانک‌ها ایجاد می‌کند یا خیر؟

مقاله حاضر ابتدا به ارائه تعاریف موجود درباره ریسک اعتباری و مدیریت ریسک و سپس، به بررسی ریسک در بانکداری سنتی می‌پردازد. در ادامه، به بررسی مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری غیرربوی ایران در انواع عقود پرداخته و در پایان روش‌ها و راهکارهای موجود مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی را بررسی و سرانجام مطالب جمع‌بندی و پیشنهادهایی برای مدیریت ریسک اعتباری در نظام بانکداری بدون ربای کشور ارائه می‌شود.

۱. تعاریف

ریسک در لغت به مفهوم امکان یا احتمال بروز خطر یا روبه‌رو شدن با خطر، صدمه دیدن، خسارت دیدن، کاهش درآمد و زیان دیدن است.

ریسک یا خطر به صورت احتمال محقق نشدن پیش‌بینی‌های آینده تعریف می‌شود. به عبارت دیگر بنا به تعریف مارک و گالای (Dan Galai & Robert Mark, 2000, p.17)، ریسک به معنی امکان وقوع یک خسارت و زیان اعم از مالی یا غیرمالی در نتیجه انجام یک فعالیت است. طبق این تعریف، هر عاملی که موجب محقق نشدن پیش‌بینی‌های آینده گردد، تحت عنوان عامل ریسک در نظر گرفته می‌شود؛ احتمال محقق نشدن پیش‌بینی مالی، ریسک مالی را افزایش می‌دهد و هر عاملی که باعث ایجاد این عدم قاطعیت در پیش‌بینی‌ها شود، در واقع، عامل ریسک مالی است.

واژه ریسک در فرهنگ لانگمن چنین تعریف شده است: ریسک عبارت است از احتمال وقوع چیزی بد یا نامطلوب و یا احتمال وقوع خطر است. از دیدگاه بانکداری،

ریسک این‌گونه تعریف می‌شود: ریسک از نظر یک بانکدار به معنی عدم قطعیت در رابطه با یک اتفاق است (Rose, 1999, p.170).

ریسک اعتباری عبارت است از احتمال اینکه بعضی از دارایی‌های بانک، به‌ویژه تسهیلات اعطایی از نظر ارزش کاهش یابد و یا بی‌ارزش شود. با توجه به اینکه سرمایه بانک‌ها نسبت به کل ارزش دارایی‌های آن‌ها کم است، حتی اگر درصد کمی از وام‌ها واصل‌شدنی نباشند، بانک با خطر ورشکستگی روبه‌رو خواهد شد؛ به عبارت دیگر، «ناتوانی مشتری در عمل به بخشی یا تمام تعهدات خود مطابق با مفاد مندرج در قرارداد که در پی آن بعضی از دارایی‌های بانک، به‌ویژه تسهیلات اعطایی از نظر ارزش کاهش یافته یا بی‌ارزش شود» (بحرالعلوم و قاسمی ارمکی، ۱۳۸۵، ص ۷).

لازم به ذکر است ریسک اعتباری شکلی از ریسک طرف مقابل است؛ به عبارت دیگر، ریسکی است که طرف مقابل طبق قرارداد یا تعهد خود عمل نخواهد کرد. این کار شاید به علت عدم موفقیت در تهیه کالا و خدمات و یا به علت عدم اجرای وام تعهد شده و یا شکست در پرداخت کامل و به موقع مبلغی باشد که قرض گرفته شده است (Brian Coyle, 2000, p.5).

۲. پیشینه و ادبیات موضوع

درباره مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی مطالعات محدودی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. کیمیگری و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «مدل ریسک اعتباری بازپرداخت تسهیلات مشتریان اعتباری بانک (موردی حوزه شهرضا بانک ملی ایران)» با استفاده از روش رگرسیون لجستیک یک نمونه ۳۱ تایی از شرکت‌ها که در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ از بانک ملی حوزه شهرضا تسهیلات اعتباری دریافت نموده‌اند، بررسی شده است. این کار با انتخاب ۲۸ متغیر که از لحاظ نظام بانکی و مجربان این رشته اهمیت به‌سزایی داشته انتخاب شده و پس از جداسازی نوع کمی و کیفی، تعداد ۱۵ متغیر اصلی انتخاب شدند، اعتبار و با ایجاد یک جدول تمامی اطلاعات به دست آمد و با استفاده از نرم‌افزار اسپاس^۲ نتایج مبنی بر ارتباط مشتریان با بازپرداخت به دست آمد.

اشرف احمدیان (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «مدیریت ریسک اعتباری، چالش پیشروی تأمین مالی در سیستم بانکی ایران» با هدف صورت‌بندی مدلی در جهت کاهش شکاف‌های موجود بین نظام بانکی و بخش خصوصی در حوزه تأمین مالی به بررسی چالش از دیدگاه نظام بانکی از یک طرف و بنگاه‌های اقتصادی از طرف دیگر عملیاتی و در پایان راهکارهای عملیاتی در جهت کاهش شکاف‌های موجود بین نظام بانکی و بخش خصوصی در حوزه تأمین مالی بهبود فرایند تأمین مالی ارائه نموده است.

ارمشی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی رابطه بین ریسک اعتباری مشتریان و برخی متغیرهای مالی و جمعیت‌شناختی پرداخت. پس از تخمین مدل، نتایج ذیل مورد تأیید قرار گرفت: متغیرهای جنسیت، درآمد، نوع سکونت، تأهل، سن و وضعیت شغلی مشتریان بر احتمال عدم نکول تسهیلات اثرگذار بوده، اما متغیر درآمد دارای تأثیر منفی است و متغیرهای اندازه وام و دوره بازپرداخت در نمونه مورد مطالعه بی‌تأثیر می‌باشند.

رحمانی و اسماعیلی (۱۳۸۹) با عنوان «مدیریت پوشش ریسک اعتباری با استفاده از سوآپ نکول اعتباری» این موضوع را ارزیابی کردند. ایشان در این مقاله به دنبال یافتن گزینه‌هایی برای مدیریت و پوشش ریسک هستند که رتبه‌بندی اعتباری را از جمله این روش‌ها دانسته و نبود آن را در کشور محسوس می‌دانند. گزینه دیگر پوشش ریسک اعتباری استفاده از مشتقات اعتباری مثل معاوضه (سوآپ) ریسک اعتباری می‌دانند و شرایط سوآپ اسلامی را معرفی می‌کنند.

موسویان و موسوی بیوکی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی از طریق سوآپ نکول اعتباری» این موضوع را بررسی کردند. در این مقاله امکان تطبیق سوآپ نکول اعتباری با قراردادهای بیمه و ضمان بررسی و سرانجام بر اساس موازین فقه امامیه مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین فرض سوآپ نکول اعتباری در قالب قرارداد جدید مورد توجه قرار گرفته و نشان داده شده که به جهت رعایت شرایط عمومی صحت معامله‌ها، تصحیح آن به عنوان عقد مستحدث نیز امکان‌پذیر است.

اکبریان و دیانتی (۱۳۸۵) در مقاله «مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا» به این نتیجه می‌رسند که با توجه به اینکه در بانکداری بدون ربا نرخ ثابت و از قبل پیش‌بینی شده برای عقود وجود ندارد، مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا در مقایسه با بانکداری ربوی اهمیت دوچندانی دارد. آن‌ها همچنین، با بررسی ابزارهای مهندسی مالی برای مدیریت ریسک در نظام سرمایه‌داری به ارائه چند ابزار مهندسی مالی در نظام مالی اسلامی به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم، مشارکت، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، بیع‌الوفا و قولنامه و سرانجام کاربردهای این ابزارها در مدیریت ریسک می‌پردازند.

بحرالعلوم و قاسمی ارمکی (۱۳۸۵) در مقاله خود با عنوان «مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی» ریسک متناظر با شیوه‌های تأمین و مصرف وجوه مالی رایج در بانک‌های اسلامی را بررسی کرده و در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان ریسک این روش‌ها را مدیریت نمود، به معرفی و به کارگیری سیستم رتبه‌بندی داخلی^۳ پرداخته است. از دیدگاه نویسنده این مقاله روش توزین ریسک دارایی‌ها می‌تواند مناسب‌ترین یا شاید تنها راهکار قاعده‌مند برای طبقه‌بندی قراردادهای مورد استفاده یک بانک اسلامی بوده و آن را در کنترل و اداره ریسک مجموعه‌اش که دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است، یاری رساند.

مهدوی نجم‌آبادی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی»، چهار نوع ریسک مالی، عملیاتی، بازار و برون‌سازمانی در بانکداری اسلامی و سنتی را بررسی کرده است و به این نتیجه می‌رسد که مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی با توجه به ویژگی‌های خاص آن بسیار مشکل‌تر از بانکداری سنتی است. وی برای کاهش این ریسک‌ها شراکت ریسک با گیرنده وام به وسیله گرفتن وثیقه به وسیله بانک و همچنین، اجرای نظام وکالتی به وسیله بانک را بررسی کرده است.

عقیلی کرمانی (۱۳۸۱) در مقاله «مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا» چهار نوع ریسک بازار، اعتباری، عملیاتی و نقدینگی در بانکداری اسلامی را بررسی می‌کند. وی این‌طور نتیجه می‌گیرد در بانکداری بدون ربا از لحاظ

مدیریت ریسک فقط برای ریسک اعتباری باید راهکارهای متفاوتی از بانکداری سنتی ارائه داد. وی اعطای تسهیلات به صورت استقراض و عمل کردن به صورت شرکت‌های سرمایه‌گذاری را به علت عدم امکان تشکیل یک سبد دارایی کارا پیشنهاد می‌دهد.

کاسترو (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان «عوامل اقتصاد کلان ریسک اعتباری در سیستم بانکی: مورد GIPSI» انجام داد. در این مطالعه رابطه میان پیشرفت‌های اقتصاد کلان و ریسک اعتباری بانکی در کشورهای یونان، ایرلند، پرتغال، اسپانیا و ایتالیا که اخیراً به واسطه شرایط نامطلوب اقتصادی و مالی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، بررسی گردید. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که تمام معیارهای سیاسی که می‌تواند برای ترویج رشد، اشتغال، بهره‌وری و رقابت و به منظور کاهش بدهی‌های عمومی و خارجی در این کشورها اجرا شوند، برای ایجاد ثبات در اقتصاد خود بسیار ضروری هستند.

داسیلوا و دیوینو (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان «نقش قوانین بانکی در یک اقتصاد تحت ریسک اعتباری و شوک نقدینگی» در برزیل انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که ریسک اعتباری دوره‌ای است و ریسک پیش‌فرض به ویژگی‌های ساختاری بستگی دارد. بر این اساس سیاست‌گذاران بانکی می‌توانند با تنظیم سیاست‌هایی برای ارتقای ثبات مالی و کارایی، نوسانات در خروجی را کاهش دهند.

پائولا و همکاران (۲۰۱۲) مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی ریسک اعتباری و تأثیر پیمان جدید سرمایه‌ای بازل در شرکت‌های کوچک و متوسط: تجزیه و تحلیل تجربی» نشان دادند که احتمال ریسک غیر پیش‌فرض در سال آینده، تابع افزایش سودآوری، نقدینگی، پوشش، فعالیت و کاهش تابع اهرم است. شرکت‌های کوچک‌تر و کسانی که تنها با یک ارتباط بانکی به احتمال بالاتر ریسک پیش‌فرض خواهند داشت. یافته‌ها نشان می‌دهد که یک بانک اصلی برای وارد شدن به اجرای سیاست‌هایی برای کاهش ریسک از طرق افزایش حاشیه که سابقاً بسیار بالا بوده، بسیار با انگیزه است.

نورا و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی ریسک اعتباری: کاربرد داده‌کاوی در یک بانک روستایی» برای ارائه یک درخت تصمیم‌گیری برای ارزیابی ریسک اعتباری بانکی در بالی از روش داده‌کاوی استفاده کردند. مدل ارائه‌شده معیاری جدید در تحلیل کاربرد وام فراهم نمود. نتایج ارزیابی نشان داد که اگر این مدل به کار

گرفته شود، بانک می‌تواند وام‌های ناکارا را تا کمتر از ۵ درصد کاهش دهد و بانک نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از بانک‌های کارا دسته‌بندی شود.

خان^۵ و احمد^۶ (۲۰۰۱) در پژوهشی با عنوان «مدیریت ریسک: تحلیل بررسی موضوعات در صنعت مالی اسلامی» که برای بانک توسعه اسلامی انجام دادند، به‌صورت تجربی به تحلیل مدیریت ریسک در مؤسسه‌های مالی و بانکی اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها برای این پژوهش، پرسش‌نامه‌ای را برای کمی کردن ریسک‌های عملیاتی، نقدینگی، بازار و اعتباری برای عقود مضاربه، مشارکت، سلم، استصناع، مرابحه و اجاره تهیه و به این نتیجه رسیدند که ریسک اعتباری کمترین ریسک را در میان ریسک‌های دیگر در نظام مالی و بانکی اسلامی دارد.

با توجه به مطالب بالا مشخص است که هیچ‌کدام از مقاله‌ها و مطالعه‌های صورت گرفته در داخل به بررسی ریسک اعتباری و مدیریت آن در الگوی کنونی بانکداری بدون ربای ایران^۶ و بررسی ریسک اعتباری در عقود اسلامی به‌صورت کامل و تفکیک‌شده (مبادله‌ای و مشارکتی) نپرداخته‌اند. این مطالعه با استفاده از منابع موجود به بررسی ریسک اعتباری در الگوهای موجود پرداخت تسهیلات و ارائه روش‌های مدیریت آن در الگوی بانکداری بدون ربای ایران پرداخته و از این جهت ایده‌نویی را مطرح می‌سازد.

۳. مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری سنتی

ریسک اعتباری بزرگ‌ترین خطری است که در دادوستدها وجود دارد و خطر سوخت شدن اعتبار اعطایی هم که با نکول و قصور در پرداخت بدهی از سوی وام‌گیرندگان پیش می‌آید، یکی از بزرگ‌ترین خطرهای مدیریتی تا این زمان است (شمس‌الدینی، ۱۳۸۹، ص ۸۴). بدیهی است که تفوق بر ریسک اعتباری، با سازوکارهای اقتصادی همراه است و در نتیجه، بیشتر بانک‌ها نظام رتبه‌بندی داخلی پیشرفته‌ای را برای وام‌گیرندگان در نظر می‌گیرند.

به‌طورکلی چهار شاخص سنتی زیر به‌طور گسترده به‌منظور تعیین میزان ریسک اعتباری برای بانک‌ها در نظر گرفته می‌شوند:

- الف. نسبت مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول به تسهیلات اعطایی هرچه این نسبت بالاتر باشد، ریسک اعتباری مؤسسه نیز بالاتر است.
- ب. نسبت مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول به دارایی‌ها افزایش این نسبت در دو مقطع نشانه افزایش ریسک اعتباری خواهد بود.
- ج. نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به تسهیلات اعطایی افزایش حجم مطالبات مشکوک‌الوصول که به دلیل افزایش مطالبات سررسید گذشته و معوق بوده می‌تواند بیانگر افزایش ریسک اعتباری باشد.
- د. نسبت ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول به کل دارایی‌ها.

افزایش آن بیانگر افزایش ریسک و کاهش آن مبین کاهش ریسک است. مدیریت نهادهای مالی هرگز وظیفه‌ای آسان نبوده و در سال‌های اخیر نیز با مشکلات بسیاری به لحاظ وجود خطرهای در محیط اقتصادی مواجه بوده است؛ اما قسمت عمده کسب‌وکار نهادهای مالی همچون بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های تأمین مالی، اعطای وام است. به‌علاوه، این مؤسسات برای کسب سود بیشتر، باید در بازپرداخت کامل وام خود از سوی مشتریان موفق باشند. در صورت عدم توجه به مدیریت ریسک اعتباری و کاهش آن، ممکن است مخاطره اخلاقی بروز کند؛ بنابراین، به‌منظور مدیریت ریسک اعتباری و تحقق اهداف آن انجام امور زیر ضروری است:

- ۱- غربال و نظارت
- ۲- ایجاد رابطه بلندمدت با مشتریان
- ۳- تعهد وام
- ۴- وثیقه
- ۵- الزامات موجودی جبرانی
- ۶- سهمیه‌بندی اعتبار

بدون تردید، خطرهای احتمالی خاصی که گاهی مورد انتظار و گاه غیرقابل انتظارند، بر روی درآمد و سرمایه بانکها تأثیر می‌گذارند. خطرهای مورد انتظار معمولاً به وسیله وام‌گیرندگان به وجود می‌آیند، اگرچه باید مراقب تغییر دامنه قیمت‌ها نیز بود، اما خطر احتمالی و اندوخته درآمدها و عواید هم باید مورد توجه و کنترل دقیق قرار گیرد. در خطرهای قابل پیش‌بینی، تغییراتی در اعتبار و عدم پرداخت غیرقابل پیش‌بینی، امکان خطر در موجودی اوراق بهادار و در سرمایه‌های بانکهاست.

اگرچه مؤلفه‌های اصلی مدیریت ریسک شامل تشخیص، سنجش، پایش^۷ و مدیریت انواع ریسک هستند، اما این هدف‌ها هنگامی اجرایی می‌شود که نظام کارآمد پدید آید.^۸ با توجه به پیشنهادها و توافقات کمیته بال روند مدیریت ریسک در بانکها شامل سه جزء است:

۱. اجرای مدیریت ریسک فراگیر و سیاست‌های مناسب؛
 ۲. اطمینان از پروسه سنجش، کاهش و پایش ریسک به‌طور کارا؛
 ۳. کنترل‌های داخلی مناسب.
- به‌صورت یک نتیجه کلی می‌توان پروسه و فرایند مدیریت ریسک را این‌طور خلاصه کرد:

۱. تشخیص ریسک؛
۲. اندازه‌گیری ریسک؛
۳. بررسی روش‌های مقابله با ریسک و انتخاب بهترین روش؛
۴. اجرای روش؛
۵. نظارت بر اجرای بهینه مدیریت ریسک (BCBS, 1999 & 2001).

می‌توان گفت در بانکداری سنتی، بانکها باید تحت یک نظام کامل و جامع تشخیص اعتباری فعالیت‌های خود را انجام دهند تا میزان واقعی ریسک اعتباری مربوط به یک گیرنده تسهیلات و یا طرف تجاری خود را جهت جلوگیری از بدگزینی^۹ (انتخاب بد) به حداقل رسانند و بنابراین، بانکها برای تصدیق اعتباری گیرنده تسهیلات و یا طرف تجاری نیاز به اطلاعات زیادی دارند. نظام بانکی می‌تواند با

استفاده از روش‌هایی همچون تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها^۱ مشتقات اعتباری^۱، فروش بدهی و... ریسک اعتباری مربوط به سبد دارایی خود را کاهش دهد. بانک‌ها باید نظام قوی برای ارزش‌گذاری وثیقه‌ها و طبقه‌بندی ریسک‌های بالقوه مشتریان خود داشته باشند؛ بانک‌ها همچنین، باید نظام نرخ‌گذاری ریسک داخلی برای مدیریت ریسک اعتباری داشته و یک چنین نظامی باید قابلیت رتبه‌بندی مشتریان را بر حسب درجه مشخصی از ریسک اعتباری داشته باشد (Khan & Ahmed, 2001, p.34). در بانکداری سنتی دریافت تضمین‌های مورد قبول و در نهایت وثیقه‌ها، متعارف‌ترین ابزارهایی هستند که می‌توانند ریسک اعتباری را کنترل کنند که این موضوع خود می‌تواند باعث کاهش اعتباردهی بانک‌ها شود.

۳-۱. شیوه‌های تخمین درجه اعتبار

مدل‌های کیفی، آماری (نظیر تحلیل ممیزی، لاجیت و تحلیل فراگیر داده‌ها)، هوش مصنوعی (نظیر شبکه‌های عصبی مصنوعی و منطق فازی) و قیمت‌گذاری اختیارات، مهم‌ترین مدل‌هایی هستند که در تخمین و تعیین درجه اعتباری مشتریان مورد استفاده قرار می‌گیرند. به‌طور کلی، مهم‌ترین خصوصیات یک متقاضی اعتبار را که در رتبه‌بندی اعتباری مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان در ۵ گروه طبقه‌بندی کرد که اصطلاحاً به آن پنج‌گانه C گویند و شامل موارد ذیل است:

۱. شخصیت^{۱۲}: اهداف، سوابق اعتباری، نوع فعالیت، اعتبار بازاری، تخصص‌ها و امتیازاتی که تمایل متقاضی به بازپرداخت تعهداتش را نشان می‌دهد، در این گروه قرار می‌گیرد.

۲. ظرفیت^{۱۳}: توانایی و ظرفیت متقاضی در کسب درآمد و سود که نشان‌دهنده توانایی متقاضی در بازپرداخت تعهداتش است، این گروه را تشکیل می‌دهد.

۳. سرمایه^{۱۴}: این گروه شامل متغیرهای مربوط به وضعیت دارایی‌ها و امکانات متقاضی است که بازپرداخت باید از محل آن انجام شود.

۴. وثیقه^{۱۵}: نوع، ارزش و خصوصیات وثیقه‌ای که متقاضی قصد گرو نهادن آن را دارد، به‌عنوان یک عامل مهم در تضمین بازپرداخت تعهدات متقاضی، در این گروه قرار می‌گیرد.

۵. شرایط^{۱۶}: متغیرهایی نظیر وضعیت بازار، وضعیت عمومی اقتصاد، متغیرهای سیاسی، اجتماعی و محلی و سایر شرایطی که می‌توانند بازپرداخت تعهدات متقاضی را تحت تأثیر قرار دهند، این گروه را تشکیل می‌دهند.

امروزه استفاده از روش‌های رتبه‌بندی اعتباری و پیش‌بینی ریسک عدم پرداخت در بانک‌ها و مؤسسات مالی اهمیت ویژه‌ای یافته است و به‌عنوان یکی از اصول اساسی مدیریت ریسک اعتباری شناخته می‌شود. در ایران نیز طی چند سال اخیر، این موضوع مورد توجه قرار گرفته و تلاش‌هایی در این راستا انجام شده است. یکی از این اقدامات، تأسیس مؤسسه ملی رتبه‌بندی است که با شروع فعالیت به‌عنوان نهاد مرجع، نسبت به رتبه‌بندی اعتباری اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام نموده است.

مدل‌سازی ریسک اعتباری، مفهومی است که به‌صورت گسترده هر نوع روش مبتنی بر الگوریتم ارزیابی ریسک اعتباری را در بر می‌گیرد. این اصطلاح، رتبه‌بندی اعتباری را نیز در بر می‌گیرد، اما غالباً برای توصیف کاربرد مدل‌های ارزش‌داری و مدل‌های شدت، در چند زمینه، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این زمینه‌ها عبارت‌اند از:

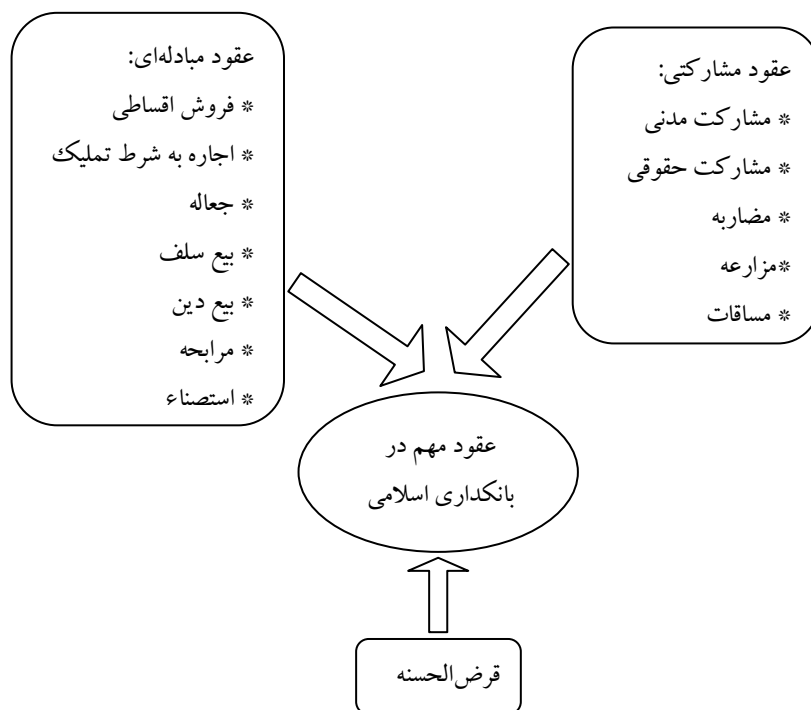
- جانشین شدن با روش‌های سنتی تحلیل اعتباری.
- به‌کارگیری توسط مهندسان مالی برای ارزش‌گذاری مشتقات اعتباری.
- تعمیم معیارهای ریسک اعتباری پرتفوی که برای تحلیل ریسک اعتباری کل پرتفوی تعهدات و به‌منظور پشتیبانی از اوراق بهادارسازی، مدیریت ریسک یا اهداف قانونی استفاده می‌شود.

۴. مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری غیربوی ایران

نظام بانکداری اسلامی با دو نوع متفاوت از ریسک روبه‌روست. نوع نخست، شامل ریسک‌های متداول که نظام بانکداری متعارف نیز با آن روبه‌روست و نوع دوم که

اختصاص به نظام مالی و بانکداری اسلامی دارد و از قانون‌ها و الزام‌های شرعی سرچشمه می‌گیرد.

در راستای حفظ جامعیت و یکپارچگی بازارهای مالی بین‌المللی و کاهش ریسک‌های مالی بین‌المللی، یک مجموعه استانداردها و رویه‌ها که نقشی کلیدی و اساسی در مذاکرات و تعاملات مالی بین‌المللی دارند، تهیه و تنظیم شده‌اند که یکی از مهم‌ترین اهداف آن را می‌توان نزدیک کردن دیدگاه‌های ملی کشورهای مختلف در حوزه مدیریت ریسک دانست. در همین زمینه، می‌توان الگوی تأمین مالی بانک‌های اسلامی را در زیر مشاهده کرد:



شکل ۱. شیوه‌های تأمین مالی در بانکداری اسلامی

ریسک اعتباری به‌علت عدم اجرای به‌موقع و کامل تعهدها به‌وسیله طرف مقابل قرارداد پدید می‌آید. به نظر می‌رسد نظام بانکداری بدون ربای ایران با دو نوع گوناگون

از ریسک اعتباری روبه‌روست: نخست، ریسک اعتباری برای عقودهای مبادله‌ای که به‌علت نااطمینانی در پرداخت اصل و سود حاصل از دریافت تسهیلات به‌طور کامل و در موعد مقرر به‌وسیله فرد متقاضی پدید می‌آید؛ دوم، ریسک اعتباری که به‌علت مسئله اطلاعات نامتقارن^{۱۷} در عقودهای مشارکتی فراهم می‌آید.

به‌عبارت‌دیگر، بانک در این عقودها، به‌علت عدم تمایز و تشخیص ویژگی‌های اعتباری، سوددهی طرح و فعالیت اقتصادی از یک سو، و مشکل‌ها و مسائل در مرحله اجرا و بهره‌برداری طرح از سوی دیگر، با ریسک ناشی از انتخاب بد^{۱۸} و مخاطره اخلاقی روبه‌رو می‌شود؛ به‌بیان‌دیگر، با توجه به ویژگی این نوع از عقودها (مشارکتی) بانک در زیان و مخاطره‌های ناشی از فعالیت‌های اقتصادی با گیرنده تسهیلات سهیم بوده و همچنین، تشخیص و ارزیابی ویژگی‌های اعتباری گیرنده تسهیلات و فعالیت اقتصادی برای بانک مشکل، و ریسک اعتباری این عقودها در مقایسه با عقودهای مبادله‌ای فراوان‌تر است. شاید یکی از علل کم‌رنگ شدن عقودهای مشارکتی در بانکداری اسلامی و بانکداری ایران فراوان بودن نسبی ریسک اعتباری این عقودها باشد (ابوالحسنی و حسنی‌مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶).

شاید بتوان گفت موضوعی که اهمیت این مشکل را افزون می‌سازد، آن است که بیشتر بانک‌های اسلامی از روش‌های تأمین مالی استفاده می‌کنند که به دیون منتهی می‌شوند؛ مانند فروش مرابحه؛ بدین‌جهت، درصد بالایی از سرمایه‌های بانک‌های اسلامی را که گاهی بیش از ۹۰ درصد سرمایه‌های آنهاست، دیون تشکیل می‌دهد؛ از این‌رو، مشکل تأخیر در بازپرداخت بدهی‌ها بر این بنگاه‌ها تأثیر فراوانی می‌گذارد (القری بن عید، ۱۳۸۴، ص ۱۶۱). ممکن است کسی بگوید که این دیون همواره با تضمین‌های معین و مشخص و وثیقه‌ها پیوند خورده است؛ بنابراین، هرگاه مشتری در بازپرداخت تأخیر کند، بانک‌ها می‌توانند آنها را به اجرا گذارند و طلب خود را وصول کنند؛ ولی واقع امر، خلاف این است؛ زیرا معروف است که قدرت ضمانت‌ها پایه و اساس تأمین مالی نیست؛ بلکه اساس اعتماد به مشتری است.

افزون بر اینکه این ضمانت‌ها را در صورت تأخیر، جز به حکم قضایی نمی‌توان به اجرا گذاشت و آن نیز فرصت طولانی می‌طلبد و در موارد بسیاری بانک‌ها مناسب

نمی‌بینند که در نخستین لحظه تأخیر در بازپرداخت به سرعت به دادگاه رجوع کنند بلکه چنین اقدامی را آنگاه انجام می‌دهند که سایر اهرم‌ها برای واداشتن بدهکار به بازپرداخت از کار افتاده باشد.

۴-۱. ریسک در انواع عقود در بانکداری اسلامی

در این قسمت به تحلیل و بررسی مهم‌ترین ریسک‌هایی که روش‌های تخصیص منابع در نظام بانکداری ایران با آن روبه‌روست، خواهیم پرداخت. با مقایسه روش‌های تأمین مالی اسلامی و روش‌های تأمین مالی متکی بر وام با بهره در این زمینه، می‌بینیم که روش نخست، درجه ریسک بالاتر از روش دوم دارد؛ زیرا در روش وام با بهره برای اتخاذ قرار صحیح از سوی وام‌دهنده کافی است که بر اطلاعاتی تکیه کند که دست‌یافتن به آن‌ها به‌طور معمول ساده است و آن اطلاع کلی از توانایی مالی مشتری و کفایت تضمین‌هایی است که می‌دهد؛ اما اطلاعات مربوط به صداقت مشتری و امانت‌داری او و انگیزه‌های واقعی او، تأثیر بسیاری بر تحقق نتیجه نهایی که بازپرداخت وام همراه با بهره آن است، ندارد (القری بن عید، ۱۳۸۴، ص ۱۸۱).

۴-۱-۱. عقود مبادله‌ای

جعاله: طبق ماده ۱۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا ایران، بانک‌ها می‌توانند از عقد جعاله به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی استفاده کنند. جعاله عبارت است از متعهد شدن شخص حقیقی یا حقوقی به پرداخت اجرت (جعل) معین در برابر انجام کار معین. شخص متعهد را جاعل و انجام‌دهنده کار را عامل می‌گویند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۲۵). در قرارداد جعاله ممکن است اجرت عمل ناشی از قرارداد جعاله به‌وسیله جاعل به‌موقع و به‌طور کامل پرداخت نشود (ابوالحسنی و حسنی‌مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰). از این رو، می‌توان گفت جعاله نیز قراردادی با بازده ثابت است و ریسک اعتباری در آن از عقود مشارکتی کمتر است.

اجاره به شرط تملیک: اجاره به شرط تملیک، عقدی است که در آن شرط می‌شود مستأجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستأجره را مالک شود (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳). به نظر می‌رسد

با توجه به اینکه قرارداد اجاره به شرط تملیک به پشتوانه دارایی (عین مستأجره) و منفعت آن انجام می‌شود، به‌طور نسبی ریسک اعتباری کمی داشته باشد (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰). در این عقد بانک با ریسک عدم بازپرداخت توسط مشتری روبه‌روست. ریسک اعتبار در اجاره به شرط تملیک از فروش اقساطی کمتر است؛ زیرا مالکیت کالا تا زمان بازپرداخت تمام مطالبه‌های بانک به مشتری منتقل نمی‌شود؛ اما در اینجا نیز اگر ارزش بازاری کالای مورد اجاره با کاهش شدیدی روبه‌رو باشد، ممکن است مشتری را به عدم پرداخت تعهدهای خود تشویق کند.^{۱۹}

بیع سلف: بانک‌ها می‌توانند به‌منظور فراهم ساختن تسهیلات لازم برای تأمین نقدینگی مورد نیاز واحدهای تولیدی، آن بخش از تولیدهای این واحدها را که سهل‌البیع باشد، بنا به درخواست آن‌ها پیش‌خرید (سلف) کنند (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۳). به‌دلیل محدودیت‌های مندرج در آیین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا مبنی بر اینکه عقد سلف فقط با تولیدکننده اصلی کالا باید صورت پذیرد، از احتمال عدم دریافت کالا می‌کاهد و در نتیجه، از ریسک اعتباری این عقد نیز کاسته می‌شود.

بیع دین: از جمله ابزارهایی که در نظام بانکداری بدون ربا برای تأمین منابع مالی مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، خرید دین است. خرید دین تسهیلاتی است که به‌موجب آن بانک سفته یا براتی را که ناشی از معامله نسبه تجاری است، می‌خرد. بانک‌ها بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، برای اشخاص حقیقی و حقوقی تا سقف معین، خط اعتبار تعیین می‌کنند که شکل استفاده از آن چنین است که اشخاص مزبور کالاهای مورد نیاز خود را می‌خرند و به‌جای پرداخت وجه نقد، سفته‌ای معادل قیمت خرید به سررسید معین به فروشندگان تحویل می‌دهند و فروشندگان کالا، سفته را به بانک محل اعتبار خریدار برده، تنزیل می‌کنند.

مرابحه: یکی از چهار قسم بیع، مرابحه است؛ در این بیع که از زمان‌های قدیم بین مردم رایج بوده و مقصود از آن بیعی است که فروشنده قیمت تمام‌شده کالا شامل قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و هزینه‌های دیگر مرتبط را به اطلاع مشتری می‌رساند؛ سپس تقاضای مبلغ یا درصدی اضافی به‌عنوان سود می‌کند (نجفی، ۱۹۸۱، صص ۲۳ و ۳۰۳)؛ به‌عبارت‌دیگر، در مرابحه لازم است هر یک از بایع و مشتری

در خسارت‌ها و هزینه‌هایی که متحمل شده و به ثمن هزینه‌هایی که پرداخت کرده است و عیبی که عارض بر مبیع شده و مدتی که شرط شده و مواردی از این قبیل راستگو باشد (اسماعیلی و رحمانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱). در فروش اقساطی نیز به دلیل آنکه جزئی از مباحثه است، می‌توان این‌گونه بیان کرد که در این تسهیلات، بانک‌ها بنا به درخواست و تعهد مشتری به خرید اموال مورد درخواست آنان اقدام کرده و سپس، اموال خرید شده را به صورت اقساط به مشتری واگذار می‌کنند (ناصری و باقری، ۱۳۸۶، ص ۲۷۹). در این نوع عقد، به نسبت سایر عقود مشارکتی، ریسک اعتباری بیشتری وجود دارد.

استصناع: قرارداد استصناع (سفارش ساخت) در اصطلاح فقهی و حقوقی، قراردادی لازم است که به موجب آن یکی از طرفین قرارداد، در مقابل مبلغی معین، ساخت و تحویل کالا یا طرح مشخصی را در زمان معین نسبت به طرف دیگر بر عهده می‌گیرد. نکته مهم در استصناع و وجه تمایز آن با عقود مشابه نظیر سلف مؤجل بودن ثمن آن است. در قرارداد استصناع نمی‌توان شرطی مبنی بر عدم مسئولیت فروشنده در قبال عدم تحقق شرایطی که برای کالای موضوع قرارداد (مصنوع) شمرده می‌شود، درج نمود.

در این عقد به دلیل آنکه به طور معمول کالای مورد نظر موجود نیست و سازنده آن را در آینده ساخته و تحویل می‌دهد، همچنین، تهیه مواد اولیه و لوازم کار بر عهده سازنده است و به طور معمول زمان انعقاد قرارداد بخشی از ثمن به عنوان پیش‌پرداخت داده می‌شود و بخش دیگر به صورت دفعی یا تدریجی تا زمان تحویل کالا پرداخت می‌شود که این مسئله باعث کاهش مشکل عدم بازپرداخت شده و ریسک اعتباری را کاهش می‌دهد (آیتی و آل‌بویه، ۱۳۸۹، ص ۱۳).

۴-۱-۲. عقود مشارکتی

اجرای واقعی و دقیق عقد مشارکت به خودی خود می‌تواند امتیازها و نتیجه‌های مطلوبی را برای اقتصاد کشور به همراه آورد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تطابق با عدل و قسط، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش تولید و عرضه کل، افزایش سرمایه‌گذاری و

اشتغال و حل مشکل‌های ناشی از تمدید قراردادهای بانکی اشاره کرد (موسویان، ۱۳۸۱، ص ۲). عقود مشارکتی خود به دو دسته قراردادهای سهمی از سود و سهمی از محصول تقسیم می‌شود.

قراردادهای سهمی از سود: در نظام بانکداری بدون ربای ایران قراردادهای سهمی از سود شامل مضاربه، مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی است. در اینجا از بررسی جزئی این عقود صرف‌نظر نموده و فقط به بررسی ریسک‌های این عقود پرداخته می‌شود. در قراردادهای سهمی از سود (به‌ویژه مضاربه و مشارکت مدنی) عدم پرداخت به‌موقع و کامل سهم سود بانک، به‌وسیله شریک یا مضارب باعث ریسک اعتباری می‌شود. این مشکل نیز به‌علت مسئله اطلاعات نامتقارن برای بانک پدید می‌آید.

قراردادهای سهمی از محصول: قراردادهای سهمی از محصول شامل قرارداد مزارعه و مساقات است. این قراردادها از لحاظ ریسک در بسیاری از موارد شبیه قراردادهای سهمی از سود هستند، اما توجه به چند مورد در این نوع قراردادها نیز ضروری است:

۱. مزارعه و مساقات: برخلاف عقود سهمی از سود، به‌ویژه تأمین مالی به روش مشارکت، گستردگی کمی دارند؛ به‌عبارت‌دیگر حدود این دو قرارداد با توجه به ماهیت آن‌ها در عرصه زراعت و باغداری و به‌طور کلی کشاورزی است؛ بنابراین، کنترل و نظارت بر این قراردادها و آموزش مناسب و تخصصی کارکنان بانکی درباره این عقود برای نظام بانکداری بدون ربای ایران نسبت به عقود سهمی از سود چندان مشکل نیست.

۲. با توجه به اینکه در قراردادهای سهمی از محصول، هر یک از طرفین قرارداد (عامل و مالک) در محصول نهایی با توجه به سهمشان سهیم هستند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد ریسک اعتباری این قراردادها نسبت به عقود سهمی از سود به‌ویژه مضاربه و مشارکت مدنی کمتر باشد. همچنین، سهم هر یک از طرفین قرارداد در این عقود به‌صورت مشاع تعیین می‌شود (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۶). این مسئله نیز ریسک اعتباری ناشی از این عقود را افزایش می‌دهد.

در این بخش می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که از مهم‌ترین آثار ریسک اعتباری در بانک‌های اسلامی آن است که از تأمین مالی به‌صورت مضاربه، مشارکت و انواع دیگر شرکت فاصله می‌گیرند؛ زیرا با تجربه برای آن‌ها ثابت شده که سطح امانت‌داری بیشتر مشتریان بانک پایین است و در قراردادهایی که طبیعت آن‌ها عقود اذنی شمرده می‌شود (مشتری امین سرمایه بانک است) می‌بینیم که نتیجه آن، زیان یا سود اندک غیرواقعی است؛ به‌عبارت‌دیگر، عدم‌توجه به ریسک اعتباری، بانک‌ها را بر آن می‌دارد تا برای پوشش ریسک اعتباری به افزایش ذخایر وام‌ها بپردازند. مهم‌ترین پیامد افزایش ذخایر تسهیلات، کاهش بازده سرمایه‌گذاری بانک و در نتیجه کاهش سودآوری خواهد بود. سازوکار مدیریت ریسک اعتباری با ارائه تخمین‌های قابل اتکا از ریسک اعتباری موجب می‌شود، تخمین ذخایر از حالت تجربی و محافظه‌کارانه خارج شود. چنین وضعیتی به‌احتمال زیاد به کاهش مقدار ذخایر و افزایش دقت تخمین‌ها منجر می‌شود.

۲-۴. روش‌های کاهش و مدیریت ریسک اعتباری

در این قسمت روش‌های کاهش و مدیریت ریسک که از یک‌سو قابلیت انطباق با قانون‌های اسلامی را دارند و از سوی دیگر، قابل کاربرد در نظام بانکی بدون ربای ایران هستند، بررسی می‌گردند.

۱-۲-۴. ذخیره‌های زیان اعتباری

ذخیره‌های زیان اعتباری^{۲۱}، مقدار وجوهی است که بانک‌ها در ازای زیان اعتباری قابل انتظار به‌صورت ذخیره نگه‌داری می‌کنند. مقدار این ذخیره به قابل اعتماد بودن روش محاسبه زیان اعتباری به‌وسیله نظام بانکی بستگی دارد. بانک‌های اسلامی می‌توانند بر مبنای روش مشارکت ذخیره‌های زیان اعتباری تشکیل دهند؛ برای مثال، فرض کنید یک بانک اسلامی بر مبنای محاسبه‌ها انتظار دارد ۵۰ واحد زیان اعتباری در طول یک دوره زمانی مشخص (برای مثال، یک‌ساله) داشته باشد. در این حالت بانک اسلامی می‌تواند بر مبنای عقد شرکت به‌میزان ۵۰ واحد یا بیشتر سهام به مشتریان بفروشد (Khan and Ahmed, 2001, p.107). نظام بانکی ایران نیز می‌تواند از این ذخیره‌ها برای مدیریت ریسک اعتباری استفاده کند؛ به‌عبارت‌دیگر، بانک‌ها می‌توانند با تشکیل

صندوق ذخیره اعتباری به میزان زیان اعتباری پیش‌بینی شده، به فروش سهام بر مبنای عقد شرکت اقدام کنند. بدیهی است در این حالت سود و زیان احتمالی به تناسب سرمایه سهامداران بین آن‌ها تقسیم می‌شود.

۴-۲-۲. رهن (وثیقه) و ضمانت

اگر در قرارداد قرض شرط شود که قرض‌گیرنده چیزی را نزد قرض‌دهنده رهن (گرو) بگذارد یا فردی را به عنوان ضامن یا کفیل معرفی کند، چنین شرطی هرچند به مصلحت قرض‌دهنده است، اما ربا و حرام نیست (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵). رهن و ضمانت دو ابزار مهم تأمینی در برابر زیان اعتباری در شریعت اسلام است. این دو ابزار در حال حاضر نیز در نظام بانکی ایران بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴-۲-۳. تبدیل عقد مضاربه به جعاله

عقد مضاربه را می‌توان به صورت جعاله منعقد ساخت. به این صورت که مالک به عامل بگوید اگر با این مال تجارت کنی و سودی به دست آوری (برای مثال)، نصف سود مال توست. در این صورت جعاله فایده مضاربه را می‌دهد و نیاز نیست شرایط مضاربه رعایت شود (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۱۹۶). با تبدیل عقد مضاربه به جعاله ریسک اعتبار ناشی از اطلاعات نامتقارن برای عقد مضاربه بسیار کاهش می‌یابد. بانک‌های ایران می‌توانند از این روش برای مواقعی که ریسک اعتباری طرح فراوان بوده یا نظارت بر طرح مشکل باشد، عقد مضاربه را به جعاله تبدیل کنند. در این حالت (در عقد جعاله) عامل، ضامن سرمایه است.

۴-۲-۴. کاربردهای قرارداد صلح در کاهش و مدیریت ریسک

صلح در اصطلاح شرعی، قراردادی است که به سبب آن انسان با دیگری سازش می‌کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک وی کند یا از حق خود بگذرد، خواه این سازش در برابر عوض یا بدون عوض باشد (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷)؛ قرارداد صلح در کاهش و مدیریت ریسک در نظام بانکداری غیرربوی بسیار کاربرد دارد. در این قسمت فقط به دو کاربرد آن اشاره می‌شود:

ا. در مواردی که قرارداد، عقدها یا ایقاعی جایز است و طرفین می‌خواهند لازم باشد، می‌توانند مفاد آن قرارداد را از راه صلح انشا کنند (موسویان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۱). با استفاده از این روش می‌توان ریسک جایز بودن قرارداد جعاله را کاهش داد؛^{۲۲}

ب. در مواردی که به جهت نبودن یکی از شرایط خاص، قراردادهای معین باطل می‌شود، می‌توان مفاد آن را به قرارداد صلح انشاء کرد؛ برای مثال، می‌توان بیع سلف قبل از سررسید را به قرارداد صلح انشا کرد (موسویان، ۱۳۸۶، صص ۲۵۱-۲۵۲). بانک‌ها می‌توانند با استفاده از این عقد ریسک قیمت ناشی از قرارداد سلف را به حداقل رسانده و کالایی را که به سلف خریده‌اند، پیش از سررسید بفروشند.

۴-۲-۵. بیع العربون

بیع العربون به معنای این است که مشتری، کالایی را می‌خرد و مبلغ اندکی به فروشنده می‌پردازد. اگر مشتری بیع را نهایی کرد، مبلغ پرداختی جزئی از ثمن واقع می‌شود و اگر نهایی نکرد، مبلغ پرداختی به صورت هبه به فروشنده تعلق می‌گیرد. در واقع مشتری فقط خیار دارد (رضایی، ۱۳۸۲، ص ۴۵)؛ بر مبنای قرارداد مشارکت حقوقی، بانک‌ها می‌توانند به خرید سهام بپردازند. یکی از ریسک‌هایی که خرید سهام برای بانک‌ها پدید می‌آورد، ریسک کاهش قیمت سهام است.

نظام بانکداری بدون ربای ایران می‌تواند از بیع العربون برای کاهش این ریسک استفاده کند. در این صورت بانک مبلغی به صورت پیش‌پرداخت برای خرید سهام می‌پردازد. اگر در آینده قیمت سهام مطابق پیش‌بینی و خواست بانک باشد، این مبلغ به صورت قسمتی از قیمت سهام می‌شود و در غیر این صورت و انصراف بانک از خرید سهام، مبلغ پیش‌پرداخت به صورت هبه به فروشنده تعلق می‌گیرد (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

۴-۲-۶. تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها

تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها شیوه‌ای برای افزایش وجوه جدید و کاهش ریسک‌هایی است که بانک با آن روبه‌روست. در این روش بانک‌ها دارایی‌های دارای بازدهی و عایدی را در یک گروه قرار داده و به پشتوانه این دارایی‌ها اوراق بهادار در

بازار می‌فروشند؛ بنابراین، دارایی‌های غیرنقد به اوراق بهادار با پشتوانه دارایی که قابل خرید و فروش هستند، تبدیل می‌شود (Mishkin, 2004, p.34).

تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها در بانکداری بدون ربا بر مبنای خرید و فروش دین است. این روش می‌تواند روش سودمندی برای کاهش ریسک اعتباری در نظام بانکداری بدون ربا ایران باشد. در این حالت بانک می‌تواند توجه کند که فرایند تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها شامل نهادها و ابزارهای خاص شامل: شرکت با مقاصد خاص^{۳۳}، مؤسسه امین^{۳۴}، شرکت رتبه‌بندی و... است که از ذکر جزئیات خودداری می‌شود. با توجه به ویژگی تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها، با کاربرد این روش در نظام بانکداری ایران، دست‌کم دو کاربرد مهم و سودمند برای نظام بانکی پدید می‌آید:

الف- وجوه نقد دوباره به نظام بانکی برمی‌گردند و بانک دوباره می‌تواند این وجوه را تخصیص دهد (کاهش ریسک نقدینگی)؛

ب- ریسک اعتباری، ناشی از روش‌های تخصیص وجوه به صورت عقود مبادله‌ای که به پشتوانه دارایی انجام می‌شود، به خریداران اوراق انتقال می‌یابد.

۴-۲-۷. راهکار کاهش ریسک اعتباری عقود مشارکتی

به نظر می‌رسد با توجه به مطالب بیان‌شده، بهتر است انجام عقود مشارکت محور در قالب بازار سرمایه پیگیری شوند. منظور از سازوکار بازار سرمایه، بهره‌گیری از ساختارهای تعریف‌شده در این بازار برای ورود به پروژه‌های مشارکتی است. در این بین مؤسسه‌های سرمایه‌گذاری در جایگاه یکی از نهادهای بازار سرمایه می‌توانند مناسب‌ترین نهاد برای اجرای این عقود شمرده شوند.

روش‌شناسی اجرای طرح مدیریت ریسک اعتباری در بانک مستلزم طی فرایند عمومی مدیریت ریسک، یعنی شناسایی، اندازه‌گیری، گزارش، مدیریت و نظارت است. این فرایند در دو بخش اعتبارسنجی و مدیریت سبد اعتبارات اعمال می‌شود.

تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌ها: در این ساختار، منابع مالی صندوق‌ها از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت سپرده‌گذاران بانکی

تأمین خواهد شد. در حقیقت سپرده‌های افراد به وسیله بانک به محل این صندوق‌ها هدایت خواهند شد. این صندوق‌ها وجوه سپرده‌گذاران را به‌طور مستقیم و به‌عنوان کارگزار و مجری در پروژه‌های سرمایه‌گذاری به کار می‌گیرند یا به وکالت از سپرده‌گذاران بانکی با متقاضیان دریافت تسهیلات مشارکتی که در حقیقت متقاضیان شراکت با سرمایه‌های خرد مردم هستند، در پروژه‌های معرفی‌شده از سوی این متقاضیان، مشارکت می‌کند. در پایان نیز سود و زیان حاصل‌شده میان صاحبان وجوه تقسیم می‌شود. در این حالت بانک‌ها می‌توانند حساب جدیدی را به مردم معرفی کنند یا از حساب سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت «حساب مشارکتی» با نام و بلندمدت موجود (البته به شرط تبیین بیشتر درباره عملکرد) استفاده کنند.

اثر تأسیس این صندوق‌ها کاهش ریسک اعتباری بانک در اجرای قراردادهای مشارکتی خواهد بود. از آنجاکه در حال حاضر دامنه فعالیت‌های بانکی بسیار وسیع است، تمرکز بر مدیریت ریسک اعتباری تسهیلات اعطاشده، دشوار است، درحالی‌که اگر کارگزاری این وجوه به صندوق‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌ها اعطا شود، به‌علت تخصص موجود در این صندوق‌ها برای ارائه تسهیلات مشارکتی و به‌علت اینکه به ارائه خدمات دیگر در وسعت بانک نمی‌پردازند، مدیریت ریسک اعتباری برای بانک‌ها به‌مراتب راحت‌تر خواهد بود که با کمک نظارت‌های مستمر قابل دستیابی است.

ریسک اعتباری در اینجا مربوط به احتمال نکول یکی از طرفین قرارداد مشارکتی است. کیفیت سبد پروژه‌های انتخاب‌شده و در حال اجرا نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز این ریسک دارند؛ بنابراین هر صندوق مالی خواهد کوشید تا با پرهیز از اطلاعات نامتقارن در انتخاب سبد سرمایه‌گذاری خود از شدت ریسک اعتباری بکاهد (احمدی حاجی‌آبادی و بهاروندی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷).

از آنجاکه برگزیدن سبد دارایی با کیفیت مناسب به انتخاب پروژه‌های مناسب (یا به عبارتی، کاهش انتخاب‌های معکوس) وابسته است؛ بنابراین مدیریت ریسک اعتباری ارتباط تنگاتنگی با به حداقل رساندن این‌گونه مسائل اطلاعاتی پیدا می‌کند. در این بین،

ساختارهای عملیاتی و راهبردهای نهادهای مالی چگونگی برطرف کردن مسائل ناشی از عدم تقارن‌های اطلاعاتی را تعیین خواهد کرد.

۴-۲-۷-۱. اعتبارسنجی

در این بخش ریسک وام‌های انفرادی ارزیابی و تحلیل می‌گردد. در مرحله شناسایی، تیم اجرایی متغیرهای توضیحی اعتبار وام‌گیرندگان را در بانک بررسی و شناسایی می‌کند و فهرستی را از این متغیرها فراهم می‌آورد. متغیرهای توضیحی برای وام‌گیرندگان حقیقی و حقوقی به‌طور جداگانه بررسی می‌گردد. هم‌زمان با شناسایی متغیرهای توضیحی، سابقه‌ای از عملکرد اعتباری مشتریان نیز تهیه می‌شود.

در مرحله اندازه‌گیری، بر اساس مدل‌های اعتبارسنجی، به هر یک از متغیرهای توضیحی وزنی متناسب می‌شود. این اوزان از درجه اهمیت نسبی متغیرهای توضیحی در تشریح اعتبار مشتریان حکایت می‌کند. خروجی اصلی مدل‌های اعتبارسنجی، سنجش اعتبار متقاضیان وام در قالب احتمال نکول، نمره اعتباری، رتبه اعتباری و یا گروه‌بندی آن‌ها در قالب طبقات اعتباری است. بر اساس احتمال نکول، مبلغ در معرض نکول و زیان مشروط بر نکول می‌توان زیان اعتباری مورد انتظار حاصل از وام‌های انفرادی را محاسبه کرد. هم‌چنین، بر اساس توزیع به‌دست‌آمده می‌توان سنجه ریسک اعتباری مورد نظر را برآورد نمود.

در مرحله گزارش، نتایج حاصل از اعتبارسنجی مشتریان در اشکال استاندارد ارائه می‌گردد و رتبه اعتباری مشتریان در این مرحله گزارش می‌شود. از دیگر گزارش‌های مهم این مرحله، ماتریس گذار مشتریان است. بدین وسیله، احتمال گذار از یک رتبه اعتباری به رتبه‌های بالاتر یا پایین‌تر گزارش می‌شود.

در مرحله مدیریت، بر اساس گزارش‌های حاصل از مرحله قبل، رهنمودهایی برای راهنمایی تصمیمات مدیریت ریسک اعتباری فراهم می‌گردد. در این مرحله، برای اعطای عدم اعطای اعتبار به متقاضیان وجوه تصمیم‌گیری می‌شود و وثیقه‌ها و ضمانت‌های متناسب با هر رتبه اعتباری و نیز صرف ریسک مربوط به آن، برای تعیین شرایط وام اعطایی، مشخص می‌شود. در مرحله نظارت نیز از طریق مقایسه تخمین‌های حاصل از

مدل با واقعیت، بازخوری جهت بهبود مدل‌ها، فنون و روش‌های مورد استفاده فراهم می‌گردد.

۴-۲-۷-۲. مدیریت سبد وام

در این بخش ریسک اعتباری بانک در قالب سبد وام بررسی می‌گردد. مهم‌ترین چالش مدیریت سبد وام اندازه‌گیری ارتباط میان زیان اعتباری وام‌ها و لحاظ اثرهای تنوع‌بخشی در محاسبات ریسک است. خروجی نهایی این مرحله، توزیع زیان اعتباری سبد وام بانک است. بر اساس این توزیع، سنجه‌های ریسک مورد نظر مانند ارزش در معرض ریسک اعتباری استخراج می‌شود. هم‌چنین، بر اساس این توزیع، سرمایه قانونی و سرمایه اقتصادی محاسبه می‌شود. این بخش نیز مانند بخش قبل شامل مراحل شناسایی، اندازه‌گیری، گزارش، مدیریت و نظارت است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱. برخی از روش‌های مدیریت ریسک متداول قابلیت کاربرد در بانکداری بدون ربای ایران را دارند (مانند تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها)، اما روش‌ها و فنونی نیز وجود دارند که فقط به صورت ابزارهای مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا کاربرد دارند (مانند تبدیل مضاربه به جعاله).

۲. بسیاری از قراردادها و قانون‌های اسلامی، روش‌های سودمند و مفیدی برای کاهش و مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا ارائه می‌دهند (مانند قرارداد صلح)؛ از این رو، می‌توان گفت بسیاری از قوانین و قراردادهای مالی اسلامی، خود روشی برای کاهش مدیریت ریسک شمرده می‌شود.

۳. نظام کنونی بانکداری بدون ربای ایران ریسک‌هایی دارد که برخی از آن‌ها به علت کاستی‌ها و نواقصی در قانون فعلی بانکداری بدون ربای ایران پدید می‌آیند؛ بنابراین، برای رفع این نواقص و در نتیجه کاهش ریسک اعتباری در نظام بانکی ایران، راهکارها و پیشنهادهای ذیل می‌تواند به حل مشکل‌های ناشی از وجود ریسک در نظام بانکداری بدون ربای کشور کمک شایان بکند:

- بازنگری قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌ویژه در جذب و تخصیص وجوه؛

- بازنگری در الگوی عملیاتی نظام بانکی؛
- پدید آوردن رویه مشترک و استاندارد حسابداری بر مبنای روش‌های قراردادهای مالی اسلامی؛
- پدید آوردن نظام سنجش، پایش و کنترل ریسک اعتباری در نظام بانکداری بدون ربای ایران؛
- پدید آوردن نظام کارای سنجش و رتبه‌بندی اعتباری؛
- آموزش کارکنان بانکی با روش‌های تأمین مالی اسلامی.

۴. بانک‌ها باید بدانند که به چه کسانی اعتبار می‌دهند؛ بر این اساس، پیش از ورود به هرگونه رابطه اعتباری جدید باید شناخت کاملی از وام‌گیرنده یا طرف‌های مقابل داشته و مطمئن باشند با افراد یا سازمانی سروکار دارند که از شهرت و اعتبار خوبی برخوردار می‌باشند. به‌ویژه بانک‌ها باید سیاست‌های خاصی اتخاذ نمایند تا وارد مشارکت با افراد درگیر فعالیت‌های کلاه‌برداری و یا سایر فعالیت‌های جنایی نگردند. از راه‌های متعددی می‌توان به این منظور نائل شد؛ برای مثال، درخواست ارائه معرفی‌نامه از طرف گروه‌های شناخته‌شده، دسترسی به مؤسسات ثبت اعتبار، آشنایی با مدیران شرکت و کنترل وضعیت مالی معرف‌های آنان. هرچند یک بانک نباید به‌صرف شناخت از وام‌گیرنده یا طرف مقابل یا اشتهار خوب وی اعتبار اعطا نماید.

۵. در قراردادهای مشارکتی به‌ویژه مضاربه و مشارکت مدنی، عدم پرداخت به‌موقع و کامل سهم سود بانک به‌وسیله شریک باعث ریسک اعتباری می‌شود. این مشکل نیز به‌علت مسئله اطلاعات نامتقارن برای بانک پدید می‌آید.

۶. یک اصل اساسی در فرآیند کارآی مدیریت ریسک اعتباری، مشخص نمودن و تجزیه و تحلیل ریسک‌های موجود و بالقوه‌ای است که در هر محصول یا فعالیتی نهفته است. در نتیجه، این موضوع از اهمیت برخوردار است که بانک‌ها بتوانند در مورد محصولات پیشنهادی یا فعالیت‌هایی که بدان مبادرت می‌ورزند، ریسک اعتباری موجود را شناسایی نمایند. چنین شناختی را می‌توان به کمک یک بازنگری دقیق نسبت به ویژگی‌های موجود و بالقوه ریسک اعتباری آن محصول یا فعالیت حاصل نمود.

۷. عقود اسلامی غیرمشارکتی (مبادله‌ای) اگرچه در مقایسه با عقود مشارکتی ریسک کمتری دربردارند، اما این عقود نیز واجد ریسک‌اند و بانک‌های اسلامی را در معرض ریسک اعتباری قرار می‌دهند.

۸. به دلیل وجود ریسک اعتباری در عقود مشارکتی، بانک‌های اسلامی از انواع مشارکت‌ها تا حدود زیادی دوری گزیده، به تأمین مالی مبتنی بر بدهی روی آوردند تا آنجا که قراردادهای فروش که به بدهی می‌انجامد (مانند فروش اقساطی (مراجعه) و استصناع)، اساس فعالیت این بنگاه‌ها شد؛ از این رو، طبیعت بانکداری بانک‌های اسلامی شبیه بانک‌های سنتی شد. کار اساسی هر دو ایجاد بدهی است؛ با این تفاوت که بدهی در بانک‌های اسلامی از قراردادهای مبادله‌ای پدید می‌آید؛ ولی در بانک‌های سنتی ناشی از وام است.

یادداشت‌ها

1. Credit Risk
2. SPSS
3. IRS
4. Khan
5. Ahmed

۶. بانکداری بدون ربا در ایران درصدد پیدا کردن راه‌های شرعی برای تجهیز و تخصیص منابع برآمده و حاصل آن در قانون عملیات بانکداری بدون ربا و آیین‌نامه‌های اجرایی آمده است. بر اساس قانون بانکداری بدون ربا در ایران، برای تأمین مالی نیازهای مصرفی و سرمایه‌ای، راه‌هایی چون قرض‌الحسنه، مرابحه، اجاره به شرط تملیک و برای نیازهای سرمایه‌گذاری، راه‌هایی چون مشارکت مدنی و حقوقی، مضاربه، مزارعه و مساقات را معرفی کرده و به جای نرخ بهره از نرخ سود که برگرفته از اقتصاد واقعی است، استفاده می‌کند و به جهت ماهیت وکالتی بانک از ناحیه سپرده‌گذاران، بر مصارف صحیح تسهیلات بانکی به اقتضای قراردادها نظارت دارد.

7. Monitoring

۸. توجه شود پروسه مدیریت ریسک برای انواع ریسک در یک بخش مالی به فعالیت‌ها، اندازه و میزان پیشرفتگی این بخش بستگی دارد.

9. Adverse Selection
10. Securitization
11. Credit Derivatives
12. Character
13. Capacity
14. Capital
15. Collateral
16. Conditions
17. Asymmetric Information
18. Adverse Selection

۱۹. نظیر آنچه که در بحران مالی ۲۰۰۸ در آمریکا رخ داد.

۲۰. این دو عقد حتی یک مورد هم عملی نشده است.

21. Loan Loss Reserves

۲۲. ماده ۱۸۶ قانون مدنی در تعریف عقد جایز می‌گوید: «عقد جایز آن است که هر یک از طرفین بتواند هر وقتی بخواهد، آن را فسخ کند». طرفین عقد جایز می‌توانند هر زمان، بدون هیچ سبب و تشریفات، آن را منحل سازند. وکالت، ودیعه و عاریه از جمله عقود جایز به شمار می‌روند. برای آنکه بتوان علت این موضوع را تشریح کرد که چرا عقد جایز ریسک اعتباری را افزایش می‌دهد، باید گفت عدم اجرا به تعهدات یکی از مواردی است که باعث افزایش ریسک اعتباری می‌شود.

23. Special Purpose Vehicle

24. Trustee

کتابنامه

- آیتی، سید محمدرضا و علی آل‌بویه (۱۳۸۹)، «بررسی فقهی قرارداد استصناع در بازار بورس»، پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، شماره پنجم.
- ابوالحسنی، اصغر و رفیع حسنی مقدم (۱۳۸۷)، «بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در نظام بانکداری بدون ربای ایران»، اقتصاد اسلامی شماره ۳۰.
- احمدی حاجی‌آبادی، سید روح‌الله و احمد بهاروندی (۱۳۸۹)، «راهکارهای اجرای صحیح عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران»، اقتصاد اسلام، شماره ۳۸.
- اسماعیلی، غریبه و رحمانی، علی (۱۳۸۹)، «مدیریت پوشش ریسک اعتباری با استفاده از سوآپ نکول اعتباری»، سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران.

- اشرف احمدیان، علی (۱۳۹۱)، «مدیریت ریسک اعتباری، چالش پیشروی تأمین مالی در سیستم بانکی ایران»، سومین کنفرانس بین‌المللی صنعت احداث.
- اکبریان، رضا و دیانتی، محمدحسین (۱۳۸۵)، «مدیریت ریسک در بانکداری بدون ربا»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۵.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۳)، *قانون عملیات بانکی بدون ربا*، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- القری بن عید، محمدعلی (۱۳۸۴)، «مشکلات بانک‌های اسلامی و راه‌حل آن‌ها»، ترجمه غلام‌رضا مصباحی‌مقدم، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۰.
- بحرالعلوم، محمد مهدی و علی قاسمی ارمکی (۱۳۸۵)، «مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی»، مؤسسه عالی بانکداری ایران، هفدهمین همایش بانکداری اسلامی.
- تهرانی، رضا و فلاح‌شمس، میرفیض (۱۳۸۴)، «طراحی و تبیین مدل ریسک اعتباری در نظام بانکی کشور»، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۴۳.
- راعی، رضا و سعیدی، علی (۱۳۸۳)، «مبانی مهندسی مالی و مدیریت ریسک»، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول.
- رضایی، مجید (۱۳۸۲)، «بررسی فقهی ابزارهای مالی مشتقه»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۱.
- شمس‌الدینی، اکبر (۱۳۸۹)، «اصول مدیریت ریسک اعتباری»، *بانک صادرات*، شماره ۲۰، صص ۸۴-۸۷.
- عقیلی کرمانی، پرویز (۱۳۸۱)، «مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا»، *مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- فتحی، سعید (۱۳۸۵ش)، «ریسک مالی، شاخص‌سازی و اندازه‌گیری»، *تدبیر*، شماره ۱۶.
- کدخدایی، حسین (۱۳۷۹)، «پدیده ریسک در بانکداری اسلامی»، *مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- کیمیاگری، محمدعلی و محمدجعفر امینی، و حمید طباطبایی آرانی، و لیلا حسینی (۱۳۹۱)، «مدل ریسک اعتباری بازپرداخت تسهیلات مشتریان اعتباری بانک (موردی حوزه شهرضا بانک ملی ایران)»، *نهمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع*.

- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۱)، «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۵.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶)، *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- موسویان، سیدعباس و موسوی بیوکی، سید محمد مهدی (۱۳۸۸)، «مدیریت ریسک اعتباری در بانکداری اسلامی از طریق سوآپ نکول اعتباری»، *اقتصاد اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۳.
- مهدوی نجم‌آبادی، سیدحسین (۱۳۸۱)، «تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی»، *مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ناصری، مهدی و باقری، وحید (۱۳۸۶)، «بررسی سازوکار پرداخت سود واقعی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانکداری اسلامی و مشکلات فراروی اجرای آن»، *مجموعه مقالات هجدهمین همایش بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- ویلیامز، چستر آرتور و هانیز، ریچارد (۱۳۸۲)، *مدیریت ریسک*، داور ونوس و حجت‌الله گودرزی، تهران: نگاه دانش، اول.
- هدایتی، سید علی‌اصغر و همکاران (۱۳۸۱)، *عملیات بانکی داخلی ۲*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

Basel Committee on Banking Supervision (2000), *Principal for Management of Credit Risk*, September.

BCBS (1999), "Principles for the Management of Credit Risk", *Consultative Paper*, Basel Committee on Banking Supervision.

BCBS, (2001), "Principles for the Management and Supervision of Interest Rate Risk", Basel Committee on Banking Supervision.

Brian Coyle (2000), "Framework for Credit Risk Management", *Chartered Institute of Bankers*, pp.5-11.

Castro, Vítor (2013), "Macroeconomic Determinants of the Credit Risk in the Banking System: The Case of the GIPSI", *Economic Modeling*, No.31, pp.672-683.

Crouhy, Michel, Dan Galai, and Robert Mark (2001), *Risk Management*, New York; McGraw Hill.

- Da Silva, Marcos Soares, Divino, Jose Angelo (2013), "The Role of Banking Regulation in an Economy under Credit Risk and Liquidity Shock", *North American Journal of Economics and Finance*, available at SciVerse Science Direct.
- Khan, T. and Ahmed, H. (2001), *Risk Management: An Analysis of issues in Islamic Financial Industry*. Jeddah: Islamic Research and Training Institute (IRTI).
- Mishkin, Frederic S. (2004), *The Economics of Money, Banking and Financial Markets*, New York; Harper Collins, 7th ed.
- Ngurah Narindra Mandalaa, I Gusti, Badra Nawangpalupia, Catharina & Rian Praktiktoa, Fransiscus (2012), "Assessing Credit Risk: an Application of Data Mining in a Rural Bank", International Conference on Small and Medium. Enterprises Development with a Theme.
- Obaidullah, M. (2002), "Islamic Risk Management: Towards Greater Ethics and Efficiency", *International Journal of Islamic Financial Services*, Vol.04, No.3.
- Paula Matias Gama, Ana & Susana Amaral Geraldés, Helena (2012), *Credit Risk Assessment and the Impact of the New Basel Capital Accord on Small and Medium-sized Enterprises: An Empirical Analysis*, Management Research Review.
- Rose, Peter S. (1999), *Commercial Bank Management*, 4th. Edition: McGraw- Hill.